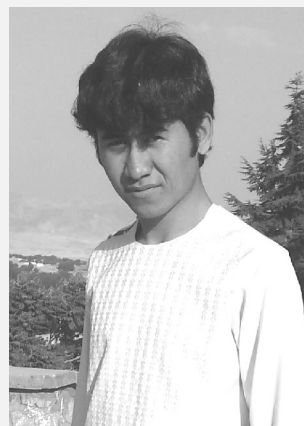


## نمک‌خوارگی در نظام سلطنتی افغانستان

عطا الرحمن "رهنورد"



فرهنگ سیاسی جوامع عمدتاً به‌عنوان بخشی از فرهنگ عمومی آنان، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. واقعیت این است که عناصر فرهنگ سیاسی یک جامعه یا برگرفته‌شده و یا متأثر از فرهنگ عمومی همان جامعه است. بر این مبنا غالباً متناسب با فرهنگ عمومی رایج در هر جامعه، فرهنگ ویژه‌ی سیاسی آن نیز شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که فهم تفاوت‌ها در فرهنگ‌های سیاسی جوامع، عمدتاً مستلزم ریشه‌یابی آنان در فرهنگ‌های عمومی آن جوامع است.

بخش قابل توجهی از فرهنگ‌های سیاسی جوامع، به ارزش‌های سیاسی آنان ارتباط می‌گیرد که عموماً از فرهنگ‌های عمومی همان جوامع، یا به همان شکل اولیه‌ی آن و یا به صورت متحول‌شده در فرهنگ سیاسی بازتاب می‌یابد. ارزش‌های سیاسی هر جامعه، چون غالباً در بستر تاریخ همان جامعه تکوین می‌یابد و چه‌بسا دچار دگردیسی می‌گردند، معنا و ماهیت ویژه‌ای به خود می‌گیرند که در نسبت با ارزش‌های سیاسی سایر جوامع متمایز اند.

ارزش‌های سیاسی در جامعه‌ی ما، از آن‌جا که از منابع متکثری (هم‌چون دین و مذهب، پاره‌فرهنگ‌های قومی و گروهی و ...) آب می‌خورند، ریشه‌های کهن در تاریخ جامعه‌ی ما دارند. در این مقاله به یکی از ارزش‌ها - نمک‌خوارگی - در نظام شاهی، با توجه به کارکرد و پیامدهای آن در کنش‌های سیاسی و مناسبات قدرت، با نگاه توصیفی پرداخته می‌شود.

### نمک‌خوارگی چیست و نمک‌خوارگان کی‌ها اند؟

نمک‌خوارگی به‌عنوان یک ارزش سیاسی در دربارهای شاهان افغانستان، مفهومی است که بر پرورش‌یافتگی یک یا چندین فرد، زیر نظر و با کمک‌های مادی و معنوی فردی دیگر، حمل می‌شود. یا به عبارت دیگر، نمک‌خوارگی نسبتی است

میان دو فرد (نمک‌دهنده و نمک‌خواره). رابطه میان نمک‌خوار و نمک‌ده، از لحاظ زمانی عمدتاً رابطه‌ی طولانی‌ای است و بعضاً نمک‌خوار، عمری از خوان نمک‌ده تغذیه می‌کند و در سایه‌ی او می‌زید.

با توجه به این تعریف، نمک‌خوارگان در دربارهای شاهان افغانستان حداقل دو ویژگی زیر را دارا بودند: یکی این‌که، عمدتاً متعلق به خاندان شاهی نبودند. و یا مشخصاً، کسانی بودند که قدرت سیاسی به گونه‌ی میراثی برای آنان قابل انتقال نبود؛ هم‌چون: مستوفی عبدالرزاق خان در دربارهای امیردوست محمدخان و امیر شیرعلی‌خان، و محمد رفیق‌خان (از طایفه‌ی لودین) و جنرل شیخ میرخان در دربار امیرشیرعلی‌خان، و در نهایت، تمامی لشکریانی که حاضر و خادم حضور شاه، ولیعهد، شهزاده و سردارها بودند و در رکاب‌شان می‌جنگیدند و تقریباً همگی از لحاظ نسبی، نسبتی با خاندان شاهی نداشتند. دوم آن‌که، از جهت حمایت‌های سیاسی و همکاری‌های اقتصادی، نیازمند و وابسته به شاه و شهزاده و سردار (به صورت کلی نمک‌دهندگان شان) بودند و برای یافتن موقعیت در دربار و کسب دارایی، نیازمند حداکثر وفاداری به آنان بودند.

### مطالبات نمک‌ده از نمک‌خوار:

نسبت نمک‌خوار با نمک‌ده، یک نسبت تعاملی، و بقا و تداوم این نسبت مستلزم بده‌ویستان‌های دوجانبه بود. توقعات نمک‌خوار از نمک‌ده، حمایت سیاسی، تشویق و تحسین با خلعت‌های فاخره، رفع نیازمندی‌های مادی، غلام‌نوازی و ... بودند. در مقابل، انتظارات نمک‌ده از نمک‌خوار فراوان و چه‌بسا دشوارتر بودند که به چند مورد آن اشاره می‌گردد.

**الف. نوکری و غلامی:** در ادبیات سیاسی نظام شاهی کشور ما، واژه‌هایی چون غلام، نوکر، خدمت‌کار، بنده و نمک‌خوار، به راحتی یکی به جای دیگری به کار برده شده که عین معنا را از آن منظور می‌داشته‌اند. بر این مبنا، نمک‌خوار حیثیت غلام، نوکر و خدمت‌کار نسبت به نمک‌ده داشت. این صفات نه‌تنها از سوی شاه و اعضای خاندان شاهی (نمک‌دهندگان)، نسبت به نمک‌خوارگان استفاده می‌شدند، بلکه خود نمک‌خوارگان نیز پذیرای آن بودند و در مقابل بادهای شان، به وفور این صفات را بر خود حمل می‌کردند؛ به گونه‌ی نمونه: بزرگان دربار امیر شیرعلی‌خان در خطاب به وی بیان کردند که: "... ما «بندگان» صداقت‌کیش از روی صدق و صفا و بدون کید و ریا قسم می‌خوریم که ...<sup>1</sup> و یا در جنگ کلات میان امیر شیرعلی‌خان و محمد افضل‌خان، پس از شکست امیر شیرعلی‌خان، سواران رکابی‌اش به وی می‌گویند: "... جان‌های ما «خدمتکاران» طفیل سرکار است، خواه امروز خواه دیگر وقت ... اما حیات سرکار آب حیاتی است برای «خدمتکاران» ...<sup>1</sup>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.